



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۱۶/۰۲/۲۰۱۹

غ. جانباز

## حلقه ناتمام مداخله ها

(مکتب پیرامونی عودت عساکر شوروی از افغانستان، از زاویه دیگر)

\*\*\*\*\*

اعزام قوای شوروی به افغانستان یکی از اجزای عواقب "جنگ سردی" که میان دو بلاک نظامی و متخاصم آنوقت : "ناتو" و "وارسا" جریان داشت، بوده است. رقابت شدید میان حامیان اصلی این دو بلاک : اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا برای گسترش نفوذشان در مناطق مختلف دنیا در آن زمان جریان داشت و روز تا روز شکل و محتوای خطرناک و مدهشی بخود میگرفت. اذهان عامه جهانیان در آن ایام، هر آن با وسوسه و دلهره توأم با یک نوع بی باوری انتظار وقوع حادثه مدهشی را که شروع "جنگ جهانی سوم" نامیده میشد، داشتند ...

قبل از هجوم نظامیان شوروی به افغانستان، جنگ های سنگینی در کشورهای کوریا و ویتنام که حیات و سلامت صدها هزار انسان را به قربانی گرفت، جا داشتند... در عقب آن جنگ های خانمانسوز نیز همان دو ابر قدرت قرار داشتند.

اینکه افغانها در برابر حضور نظامی شوروی به پا برخاستند و جنگ آزادیبخش را براه انداختند و در مبارزه برحق خویش پیروز شدند، بدون شک عمل تاریخی و قابل تقدیر بوده و است، اینکه حکومت شوروی آنوقت به رهبری میخائیل گرباچوف عساکر شوروی را صرف نظر از مقاومت شدید محافظه کاران در داخل حزب کمونیست از افغانستان سرانجام بیرون نمود، عملی بود در خور ستایش و تمجید!

پس از عودت نظامیان شوروی همه احساس خُرسندی میکردیم که بالاخره خود ما، سرنوشت ملت و دولت را بدست خود خواهیم گرفت و در صدد عمران و تعالی میهن ما خواهیم برآمد و مستقلانه افغانستان را بدون اجنبی ها خواهیم ساخت ...

اما...، ما افغانها از این پیروزی و چانس تاریخی که به دست ما افتاد، نتوانستیم به سود منافع ملی خود استفاده کنیم. تقریباً همزمان با بیرون رفتن آخرین عسکر اجنبی از خاک ما، ما افغانها با چنان نفرت و وحشت به جان همدیگر افتیدیم که مثال آنرا قبلاً در تاریخ کهن ما به یاد ندارم ... با قوت عجیب و غریبی به ویرانی و انهدام شیرازه های اجتماعی، فرهنگی، دولت داری، داشته های تاریخی ... خویش پرداختیم... وطن را عملاً بردیم به پرتگاه نیستی و سقوط و خدا نخواستہ تجزیه!

در اوج جنگ های خانمانسوز تنظیمی و سپس حاکمیت تحجرمنش طالبانی در موطن ما، افغانستان، در آنسوی ابحار، در دومین شهر مهم ایالات متحده امریکا، در نیویورک، به تاریخ یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ واقعه وحشتناکی رخ داد. هزاران انسان در اثر حملات تروریستی بی سابقه بر دو برج "مرکز تجارتی جهانی" جان باختند... امریکا با دریافت مجوز فورمالمیته از شورای امنیت ملل متحد به منظور تعقیب و انتقام گرفتن از تروریست ها با ماشین عظیم و بی مانند نظامی خود داخل افغانستان گردید.

اینک تقریباً دو دهه است که نظامیان امریکایی در وطن ما هستند، دو مرتبه بیشتر از مدتی که شوروی ها آنجا حضور داشتند... هرگاه از تحلیل علل و عوامل حقوقی و منطقی مداخله نظامیان امریکایی در افغانستان بگذریم... سوالهای عرض وجود می نمایند که خواستار دریافت پاسخ اند :

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

۱. کدام علل و عوامل سبب شدند که افراطیت و تندروی دینی در وطن ما و در گُل در منطقه حین حضور نظامیان امریکایی و متحدان ایشان اوج بگیرد؟
۲. افغانستان حین حضور نظامیان امریکایی و متحدان ایشان مرکز عمده و بی سابقه کشت و تولید مواد مخدر شد، به چی دلیل؟
۳. حکومت افغانستان حین حضور نظامی امریکا و متحدان شان جای اول را در قطار کشور های مصاب به بیماری وحشتناک فساد اداری گرفت، چرا؟
۴. تروریستهای که نظامیان امریکائی و متحدان شان در پی آنها به افغانستان آمدند نه تنها مهار نشدند، بلکه معکوساً با قوت بیشتر، با ابعاد گسترده تر و وحشتناک تر عرض وجود نمودند، و کرده راهی استند. بروز سرطان داعش که طالبان و القاعده را گمراهان و بی سوادان بیش نمیداند...

طی دو دهه اخیر، کار بنیادی بخاطر حکومتداری سالم و مسلکی، انکشاف اقتصادی و زیربنائی منظم و سازمان یافته در افغانستان صورت نگرفت ... اگر چیزی هم در این راستا بوده همه یک سره بی نظم، بی برنامه و جداً پراکنده می باشد... افزون بر آن، جریان های انشعابگر و سکتاریستی قومی، زبانی، سرکرده های منطقوی، حلقات غاصب و مافیایی... هر چه بیشتر تقویه و حمایت میشوند و وطن ما را میبرند به طرف ملک الطوایفی و شاید هم خدا نخواهد، انقسام قطعی...

با این حال و احوالی که با آن رویرو استیم، من هر چه بیشتر معتقد میشوم که هیچ مداخله اجنبی در امور افغانستان، ولو که ظاهراً با هزاران شعار بشر دوستانه و نیت های صادقانه هم آراسته باشد به خیر ملت افغان نیست... هرگاه این ملت خود کاری نکند به خیر خود اش!